

The Executive Challenges of Protective and Care Services Institutions in Mazandaran Province in Crime Prevention

Ebrahim Davoodi Dehaghani^۱, Hassan Mafkhami Shahrestani^۲, Faramarz Soltani^۳

Received: ۲۰۲۰/۰۸۲۳ Accepted: ۲۰۲۰/۱۲/۱۰

Abstract

Background and objectives: Institutions of protection and care services were established with the aim of involving citizens in the establishment of security, which face challenges and obstacles in carrying out their goals; therefore, the main question of the present study is "What are the executive challenges of protection and care institutions in crime prevention?"

Methodology: In terms of its objectives the present research is of an applied research type, which has been conducted in a mixed method. The research method in the qualitative phase is content analysis and in the quantitative phase is survey and Delphi method. In the qualitative phase, the data were collected using a semi-structured interview and in the quantitative phase using the Delphi questionnaire. The statistical population in qualitative phase consisted of law enforcement elites in the intelligence and preventive police sectors. ۶۶ individuals were selected using purposive sampling method. In the quantitative phase of the study, all samples were selected. Data analysis method in the qualitative phase was content analysis method- theme analysis- and in the quantitative phase it was descriptive statistics, including frequency, percentage and mean score, and to determine the degree of consensus of Delphi group members, Kendall agreement was employed.

Findings: In the qualitative phase, ۳۳ challenges of protection and care services institutions in crime prevention were counted in the form of ۷۷ sets. In the quantitative phase, after performing the four stages of the Delphi questionnaire and achieving the Kendall agreement coefficient of ۰.۷۹۰, the challenges were prioritized.

Results: "Weaknesses in laws and regulations" and "weaknesses in culture-making" are among the main challenges in establishing neighborhood guards, which, if the officials pay attention to them, will make it possible to use more of the capacity of these institutions in line with their goals.

Keywords: Crime prevention, Challenge, Neighborhood guard, Protective and care services institutions, Mazandaran Province.

^۱ Assistant Professor in Crime Prevention, Department of Passive Defense, Amin Police University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: davoodi^۱@chmail.ir

^۲ Instructor, Department of Passive Defense, Amin Police University, Tehran, Iran.

^۳ MA in Crime Prevention, Amin Police University, Tehran

Copyright © ۲۰۲۰ Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial ۴.۰ International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹

صص ۲۴-۱

چالش‌های اجرایی مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی استان مازندران در

پیشگیری از جرم

ابراهیم داودی دهاقانی^۱، حسن مفخمی شهرستانی^۲، فرامرز سلطانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی با هدف مشارکت شهروندان در استقرار امنیت، ایجاد شدند که برای اجرای اهداف خود با چالش‌ها و موانعی مواجه هستند؛ بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «چالش‌های اجرایی مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی در پیشگیری از جرم کدامند؟»

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است که به صورت آمیخته انجام شده است. روش پژوهش در بخش کیفی، تحلیل مضمون و در بخش کمی پیمایشی و به روش دلفی انجام شده است. در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و در بخش کمی با استفاده از پرسشنامه دلفی داده‌ها جمع‌آوری شد. جامعه مشارکت‌کنندگان بخش کیفی شامل نخبگان انتظامی، در رسته‌های اطلاعات و پلیس پیشگیری بودند که به صورت هدفمند تعداد ۱۶ نفر انتخاب شدند. در بخش کمی پژوهش نمونه‌ها تمام شمار انتخاب شدند. شیوه تحلیل داده‌ها در بخش کیفی روش تحلیل محتوا از نوع تحلیل مضمون و در بخش کمی، از آمارهای توصیفی شامل فراوانی، درصد و میانگین و برای تعیین میزان اتفاق نظر اعضای گروه دلفی از ضریب هم‌هنگی توافقی کنдал استفاده شده است.

یافته‌ها: در بخش کیفی ۴۳ چالش مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی در پیشگیری از جرم در قالب ۱۷ مجموعه احصاء شد و در بخش کمی پس از اجرای چهار مرحله پرسشنامه دلفی و دستیابی به ضریب توافقی کنдал به میزان ۰/۷۹۰، چالش‌ها اولویت‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: «ضعف در قوانین و مقررات» و «ضعف در فرهنگ‌سازی» از چالش‌های اصلی استقرار عوامل نگهبان محله است که در صورت توجه مسئولان به آن‌ها، امکان بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت این مؤسسه‌ها در راستای اهداف آن‌ها را میسر می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری از جرم، چالش، نگهبان محله، مؤسسه‌های خدمات حفاظتی مراقبتی، استان مازندران.

۱. استادیار مدیریت پیشگیری از جرم. گروه پدافند غیرعامل. دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران.

(نویسنده مسئول). رایانامه: davoodi5v@chmail.ir

۲. مربی گروه پدافند غیرعامل. دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران.

۳. کارشناسی ارشد پیشگیری از جرم. دانشگاه علوم انتظامی امین. تهران. ایران.

مقدمه

جرم عبارت است از هر شیوه، رفتاری که قانون را نقض کند. هر جا که قانون وجود دارد، جرم نیز وجود دارد. قوانین، هنجارهایی اند که توسط حکومت‌ها، به‌عنوان اصولی که شهروندان باید از آن‌ها پیروی کنند، تعریف شده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۳۳). در این راستا نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از نهادهایی که نقش مستقیم و غیرمستقیم در مقابله با برخی از معضلات و مشکلات اجتماعی دارد با تغییر رویکرد خود از پلیس محوری به جامعه‌محوری و افزایش تعاملات خود با اقبشار مختلف جامعه سعی دارد با استفاده از پتانسیل و توان مردمی پیشگیری از جرم در جامعه نموده و امنیت فراگیر را در جامعه ایجاد نماید. یکی از اقداماتی که ناجا در این خصوص انجام داده واگذاری بخشی از وظایف خود به بخش‌های خصوصی و مردمی است که در این رابطه مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی شکل گرفته‌اند. مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی به مؤسسه‌های غیردولتی اطلاق می‌شوند که برابر مقررات و قوانین جاری و ضوابط تشکیل و پس از ثبت، تحت نظارت و کنترل ناجا، مجاز به فعالیت حفاظتی و مراقبتی خواهند بود. مؤسسه‌های حفاظتی و مراقبتی مؤسسه خصوصی تحت نظارت مرکز انتظام پلیس پیشگیری ناجا است که از سال ۱۳۸۸ طبق ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه شروع به فعالیت نموده‌اند و موظف به جذب نیروهای نگهبان و به‌کارگیری آنان در اماکن نیازمند مراقبت و تأمین امنیت است.

ماده قانونی ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه، اجازه واگذاری بخشی از خدمات انتظامی و حفاظتی اماکن فاقد رده حفاظتی را به مؤسسه‌های غیردولتی با حفظ کنترل و نظارت پلیس و مدیریت بر نحوه فعالیت آنان داده که در زمینه‌های مختلف از حضور نگهبانان در محلات گرفته تا حفاظت از مجتمع‌های مسکونی، تجاری، صنعتی، طراحی، نصب و پشتیبانی سیستم‌های حفاظتی و الکترونیکی هشداردهنده در کشور را ساماندهی و این

فعالیت‌ها را به‌عنوان یکی از اقدامات اساسی پلیس در پیشگیری از وقوع جرم در دستور کار قرار می‌دهد. هم‌اکنون ۵۶۴ مؤسسه خدمات حفاظتی و مراقبتی در کشور فعال می‌باشند از این تعداد ۲۵ مؤسسه در استان مازندران است که به منظور ساماندهی و قانونمند ساختن امور نگهبانی و پیشگیری از وقوع جرم و هرگونه تعرض به اماکن و اموال مردم، افزایش ضریب امنیتی با به‌کارگیری نیروهای آموزش دیده و تعیین صلاحیت فعالیت می‌کند. نگهبانان این مؤسسه‌های موظف هستند علاوه بر آموزش و توجیه از سوی کلانتری‌ها، ۶۴ ساعت در آموزشگاه‌هایی که سرفصل‌ها و دروس آن‌ها از طریق نیروی انتظامی تهیه شده، آموزش لازم را ببینند. وجود نگهبانان محله دلیلی بر پر کردن جای خالی گشت‌های انتظامی یا پاسگاه‌ها نیست، بلکه این مؤسسه‌های مکمل کلانتری‌ها بوده و به‌عنوان اولین لایه پیشگیری از جرم، انجام وظیفه می‌کنند. برابر آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه برای اماکن و تأسیساتی که نیاز به مأمور مسلح ندارند، از ظرفیت موجود مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی می‌توان استفاده کرد. در حال حاضر ۳۶ هزار و ۵۲۲ نگهبان در این مؤسسه‌های مشغول به فعالیت هستند، از این تعداد، ۲۱۸۵ نفر به‌عنوان مدیر و ۱۳۱۱ نفر در بخش اداری مشغول به فعالیت هستند که اشتغال این افراد نشان از توان مرکز انتظام در اشتغال‌زایی دارد. با وجود اثرات مثبت فعالیت مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی طی سالیان اخیر، این مؤسسه‌ها در حوزه پیشگیری از جرایم، با چالش‌هایی مواجه هستند که بر عملکرد آن‌ها تأثیرگذار بوده و مانع از آن شده تا بتوانند از ظرفیت کامل خود در این بخش استفاده کنند. مسئله اصلی پژوهش این است که مؤسسه‌ها برای انجام مأموریت‌های خود با چه چالش‌هایی مواجه‌اند که امکان به‌کارگیری ظرفیت حداکثری و اهداف راه‌اندازی آن‌ها را با مشکل مواجه کرده است؛ بنابراین مسئله پژوهش حاضر آن است که مؤسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی در پیشگیری از جرم با چه چالش‌هایی مواجه هستند؟

مبانی نظری

رویکرد کانت به مسئله جرم و مجازات مبتنی بر یک توجیه کاملاً اخلاقی بود. از نظر کانت، مجازات فردی که مرتکب جرم شده است فقط از این جهت ضروری و البته قابل توجیه است که وی هنجاری را نقض نموده است و عدالت اقتضا می‌کند که به خاطر آن عمل، سزای درخور و شایسته‌ای دریافت کند. بر این اساس، چنانچه مرتکب جرم به هر علتی مجازات نشود عدالت زیر سؤال خواهد رفت. مثال مشهور جزیره متروک او کاملاً بر اساس همین عقیده تبیین شده است (جعفری مهرآبادی و سجودی، ۱۳۹۲: ۲۳). «عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند که نقص قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی، در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می‌شود» (دانش، ۱۳۹۲: ۴۳). از این جهت، اولین شرط تحقق هر جرم یا پدیده جنائی (با کمی تساهل در کلام). آن است که برخلاف نظم اجتماعی باشد؛ بنابراین هر جرم، خواه شدید و خواه ضعیف، لطمه و زبانی بر امنیت و نظم اجتماعی وارد می‌کند؛ و به علت همین اختلاف در نظم و امنیت است که جامعه به اشکال گوناگون، از خود واکنش نشان می‌دهد. دومین شرط تحقق هر جرم آن است که توسط قانون بیان شود، چرا که نظم اجتماعی، امری ثابت و دائمی نیست و چون برداشت مردم از آن در حال تحول است، برای جلوگیری از افراط و تفریط و حمایت و صیانت از آزادی افراد، ضروری است که اعمال ممنوعه و محل نظم و امنیت، توسط قانون‌گذار بیان شود و واکنش جامعه و ضمانت اجرای لازم نیز دقیقاً روشن گردد. چون پدیده جنائی از جمله اعمالی است که ایجاب می‌کند از طریق کیفری با آن مبارزه شود و موضوع مطالعه حقوق کیفری قرار گیرد (محسنی تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۸).

انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. بر اساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیر کیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شود؛ بنابراین در این تعبیر، حتی تعقیب و

دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزاماً به جبران خسارت قربانی و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز پیشگیری به شمار می‌آیند. این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را در برمی‌گیرد. در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری مفهوم مضیقی پیدا کرده است. در این مفهوم پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد. (محمد نسل، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

ریموند گسن^۱ معتقد است که مراد از پیشگیری هر فعالیت سیاست جنایی^۲ است که غرض انحصاری و غیر کلی آن، تحدید حدود امکان پیش آمد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن ساختن وقوع یا دشوار نمودن یا احتمال آن را پایین آوردن است، بدون آنکه به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شوند. به دیگر سخن، هر رویه‌ای که اعمال شود و نتیجه آن نشان دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده، آن رویه را می‌توان پیشگیری دانست (سیف‌اللهی و نعمتی، ۱۳۹۱: ۱۶). واژه پیشگیری در منابع دیگر نیز چنین معنا شده است: «اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات ناگوار و ناخواسته». پیشگیری یا جلوگیری کردن هم به معنای پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلو چیزی رفتن و هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی دادن و هشدار کردن است (بیات، ۱۳۸۷: ۹).

پیشگیری انتظامی: پلیس و دستگاه انتظامی یکی از متولیان در راستای امنیت عمومی است که عمده وظیفه آن پیشگیری انتظامی است. پیشگیری انتظامی عبارت است از: «مهار و کنترل جرم از طریق اقدامات پلیسی نظیر افزایش گشت‌های انتظامی و حضور ملموس و مؤثر پلیس در سطح شهر در جهت جلوگیری از اعمال مجرمانه و کاهش تکرار جرم در چارچوب قانون. همچنین، بررسی روند بزهکاری و علل وقوع آن به

^۱ Reimong Gassen

^۲ politique criminelle

منظور اتخاذ تدابیر مقابله با مجرم و انجام اقدامات فوری در امر مبارزه با بزهکاری و جرایم و همکاری با ارگان‌های مسئول در زمینه کاهش جرایم». پیشگیری انتظامی از آن جهت حائز اهمیت است که حافظ نظم و امنیت اجتماعی است. در پیشگیری انتظامی، دولت و نهادهای مسئول مهم‌ترین نقش را در برقراری و حفظ امنیت دارند و حوزه کاری آن‌ها در چارچوب قانون است (بیات، ۱۳۸۷: ۳۶).

پیشینه پژوهش

در بررسی‌ها به پژوهشی که به‌طور مستقیم بحث حاضر را مورد مطالعه قرار داده باشد برخورد نشد اما برخی پژوهش‌ها نتایج و تأثیر مؤسسه‌های حفاظتی بر برخی ابعاد مسئله را سنجیده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود. حسین پور (۱۳۹۶) در پژوهشی به این نتایج رسید که رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرم زمانی صورت می‌گیرد که تمامی کنشگران غیررسمی و رسمی دخیل در زمینه پیشگیری اجتماعی از جرم به تعامل با یکدیگر دست یابند. عبدالرحمانی و طیبی (۱۳۹۶) در پژوهشی به این نتیجه رسید که بیش از نیمی از پرسش‌شوندگان با گویه ایجاد صمیمیت با مردم به‌عنوان یکی از مهارت‌های ارتباطی نگهبان محله موافق هستند و با افزایش تعامل اجتماعی نگهبان محله پیشگیری اجتماعی از جرم نیز افزایش پیدا می‌کند. داودی دهاقانی (۱۳۹۵) در پژوهشی به این نتیجه رسید که تأثیر بیشتر نگهبان محله در پیشگیری از سرقت موتورسیکلت، سرقت قطعات خودرو و سرقت از اماکن عمومی در محله‌های مورد مطالعه است که این امر نشانگر این است که نگهبان محله توانسته است اعتماد شهروندان را تا حدود زیادی در این محلات به دست آورد. یعقوبی و رضایی (۱۳۹۵) در پژوهشی به این نتایج رسید که عوامل اجتماعی مورد بررسی به ترتیب اهمیت و میزان تأثیرگذاری بر میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد پلیس محله محور عبارت‌اند از: احساس امنیت، اعتماد مردم به پلیس، احساس تعلق به محله، نظم و امنیت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مشارکت اجتماعی. درویشی و میرزاخانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتایج رسید که پلیس می‌تواند با تمرکز بر نقاط قوت درونی و بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی، بخشی

از نقاط تهدید یا ضعف‌های بیرونی را که در پیاده‌سازی راهبردهای پیشگیری از جرم مؤثر هستند را کاهش دهد و از طرف دیگر با بازنگری برنامه‌های درون‌سازمانی و رفع آسیب‌پذیری‌ها و تقویت نقاط ضعف و استفاده از مزیت‌های نسبی گام بلندی را در اجرای راهبردهای پیشگیری از جرم با رویکرد پلیس محله محور بردارد. هلیچ و امبرو^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که جوامعی که روابط خوبی با پلیس دارند بیشتر تمایل دارند که در کارهای اجتماعی مشارکت کنند.

لورنس و مک کارتی^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که میزان قابل توجهی از ده‌ها تجربه و شواهد در اداره‌های پلیس نشان می‌دهد که تصویب رویکرد پلیس اجتماع محور به‌عنوان یک دپارتمان گسترده‌ی فلسفی تقریباً در تمامی جوانب می‌تواند منجر به کاهش قابل توجه نرخ جرم و ناآرامی‌های اجتماعی شود و به بهبود کیفیت زندگی ساکنان کمک کند. هرچند این هدف به سادگی قابل دسترس نبوده و نیازمند زمان و حمایت قابل توجهی می‌باشد. به منظور تحقق موفقیت‌آمیز این رویکرد، پلیس اجتماع محور باید در عمل به واقعیت تبدیل شود نه به صورت یک قاعده تأیید شده باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع تحقیق، اکتشافی و از نظر روش آمیخته (کیفی - کمی) است. روش پژوهش در بخش کیفی، تحلیل محتوا از نوع تحلیل مضمون است. روش پژوهش در بخش کمی، توصیفی - تحلیلی است که به روش پیمایشی و با تکنیک دلفی انجام شد. جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر روسای مؤسسه‌های حفاظتی و مراقبتی، روسا و کارشناسان پلیس پیشگیری و پلیس اطلاعات استان مازندران به تعداد ۵۰ نفر است. تعداد مشارکت‌کنندگان در فرایند پژوهش بر اساس نمونه‌گیری هدفمند به ۱۶ نفر رسید. روش انتخاب مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی، هدفمند بود. جامعه

^۱ helich & embro

^۲ Lawrence, Sara and Bobby McCarthy

آماري بخش کمی مشارکت‌کنندگان بخش کیفی بودند که آمادگی مشارکت خود در بخش کمی را نیز اعلام کردند. روش نمونه‌گیری در بخش کمی پژوهش، تمام شمار بود. روش جمع‌آوری داده‌ها در بخش کیفی، میدانی بود و از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته و تکنیک دلفی استفاده شد. برای روایی بخش کیفی در پژوهش حاضر، مصاحبه‌شوندگان با مراجعه به خبرگان و به صورت هدفمند و بر اساس توصیه متخصصان انتخاب شدند. همچنین از طریق بازخورد یافته‌ها به مصاحبه‌شونده و «روایی تفسیری» از طریق استفاده از توصیف‌گرهای با حداقل مداخله استفاده شد، به این صورت که بازخورد مصاحبه‌ها به مصاحبه‌شونده ارائه و نظرات اصلاحی آن‌ها اعمال شد و از نقل قول مصاحبه‌شوندگان در تفسیرها استفاده شد.

همچنین از شاخص‌های «قابلیت اطمینان» و «تأیید پذیری» برای افزایش روایی استفاده شد. روایی پرسش‌نامه‌های بخش دلفی نیز طی چهار مرحله اجرای پرسشنامه و حذف و اصلاح سؤالات انجام شد.

برای بررسی پایایی پژوهش در بخش کیفی، از شاخص توافق درون موضوعی در کدگذاری دو مصاحبه نمونه استفاده شد و شاخص یادشده برابر ۷۶ درصد به دست آمد که بر اساس معیار ۷۰ درصد، مقدار به دست آمده، نشان‌دهنده تأیید پایایی یافته‌های پژوهش است و در بخش کمی پایایی پرسشنامه بخش دلفی از طریق محاسبه ضریب همابستگی کندال بیش از ۰/۷ به دست آمد که نشان از تأیید پایایی ابزار پژوهش است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش «تحلیل مضمون» استفاده شد. در این روش تلاش شد از متن به مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر دست پیدا شود؛ بنابراین ابتدا تحلیل متن تمامی مصاحبه‌ها و استخراج مفاهیم و به عبارتی تحلیل متن انجام شد. سپس نحوه انتزاعی سازی و استخراج مضامین مرتبط با چالش‌های مؤسسات خدمات حفاظتی و مراقبتی در پیشگیری از جرم صورت گرفت. در بخش کمی، از آمارهای توصیفی شامل فراوانی، درصد و میانگین استفاده شد. همچنین برای

تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای گروه دلفی از ضریب هماهنگی توافقی کندال استفاده شد. چنانچه مقدار این ضریب کمتر از مقدار ۰/۷ باشد، باید راند دیگری از دلفی و نظرخواهی از خبرگان انجام شود تا زمانی که مقدار مذکور حاصل گردد. کلیه مصاحبه‌ها ابتدا به صورت کامل توسط محقق پیاده‌سازی شد و کدگذاری مصاحبه‌ها بلافاصله بعد از انجام هر مصاحبه انجام پذیرفت که نتیجه آن دستیابی به ۶۰۵ مفهوم انتزاعی در ۱۷ مقوله اصلی و ۴۳ مقوله فرعی بود.

یافته‌های توصیفی

در بخش کیفی، تعداد افراد مصاحبه‌شونده ۱۶ نفر بودند که اطلاعات جمعیت شناختی آن‌ها در جدول (۱) قابل مشاهده است این افراد کسانی هستند که به مأموریت‌های مؤسسه‌های حفاظتی و مراقبتی احاطه دارند.

جدول ۱. اطلاعات مصاحبه‌شونده‌ها

ردیف	شغل	میزان تحصیلات	سابقه خدمت	سابقه مدیریت	محل خدمت
۱	رئیس مؤسسه	لیسانس	۲۳	۱۹	آمل
۲	رئیس مؤسسه	لیسانس	۲۹	۲۳	بابل
۳	رئیس مؤسسه	لیسانس	۱۸	۱۵	نکا
۴	رئیس مؤسسه	لیسانس	۲۲	۱۸	قائم‌شهر
۵	رئیس مؤسسه	لیسانس	۲۲	۱۹	سوادکوه
۶	رئیس مؤسسه	لیسانس	۱۷	۱۴	محمودآباد
۷	رئیس مؤسسه	فوق لیسانس	۲۵	۲۰	چالوس
۸	رئیس مؤسسه	فوق لیسانس	۲۰	۱۷	نور
۹	رئیس مؤسسه	لیسانس	۲۰	۱۶	نوشهر
۱۰	رئیس مؤسسه	فوق دیپلم	۳۰	۲۷	بهشهر
۱۱	رئیس مؤسسه	فوق دیپلم	۱۷	۱۴	گلوگاه
۱۲	رئیس مؤسسه	فوق لیسانس	۱۸	۱۴	عباس‌آباد
۱۳	کارشناس پیشگیری	فوق لیسانس	۱۷	۱۴	استان

۱۴	کارشناس پیشگیری	لیسانس	۲۵	۲۳	استان
۱۵	کارشناس پیشگیری	لیسانس	۲۵	۲۳	استان
۱۶	مسئول امور نگهداران محله	فوق لیسانس	۱۸	۱۵	استان

در بخش کمی، از ۱۶ نفر از خبرگان آشنا به مسائل انتظامی و حفاظتی مراقبتی که عمدتاً از روسای مؤسسه‌های حفاظتی و مراقبتی استان مازندران بودند استفاده شد که ۹ نفر (۵۶ درصد)، دارای مدرک تحصیلی لیسانس و ۵ نفر (۳۱ درصد) دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و همچنین تعداد ۲ نفر دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم بودند. همه خبرگان شرکت کننده در پژوهش دارای حداقل سابقه کاری ۱۷ سال بوده که در فعالیت‌های حفاظتی و امنیتی فعالیت داشته‌اند، همه شرکت کنندگان مذکر و ساکن استان مازندران بودند.

در بخش کیفی، مصاحبه‌شوندگان پژوهش در پاسخ به این که «مؤسسه‌های حفاظتی و مراقبتی در استقرار عوامل ثابت و سیار نگهداران محله با چه چالش‌های در استان مازندران مواجه است؟»، موارد گوناگونی را بیان کردند که در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با چالش‌های استقرار عوامل ثابت و سیار نگهداران محله

عنوان مقوله	مفهوم	فراوانی
چالش‌های اجتماعی	ضعف در آگاهی عمومی	۱
	ضعف در اطلاع‌رسانی	۱
چالش‌های اقتصادی	کمبود منابع مالی	۱
چالش‌های تجهیزاتی	کمبود تجهیزات ارتباطی	۱
	نبود مکان مناسب برای استقرار	۶
	نداشتن سلاح گرم	۳
چالش‌های حقوقی	کافی نبودن قوانین موجود	۲
چالش‌های فرهنگی	استقبال ناکافی	۴
	ضعف فرهنگ‌سازی	۲
چالش‌های مدیریتی	ضعف در سازمان‌دهی	۴
	ضعف پشتیبانی	۴

عنوان مقوله	مفهوم	فراوانی
چالش‌های نیروی انسانی	ضعف آموزش	۵
	ضعف در هماهنگی	۳
	کمبود نیرو	۱
	ضعف در گزینش	۴
	ضعف فردی	۲

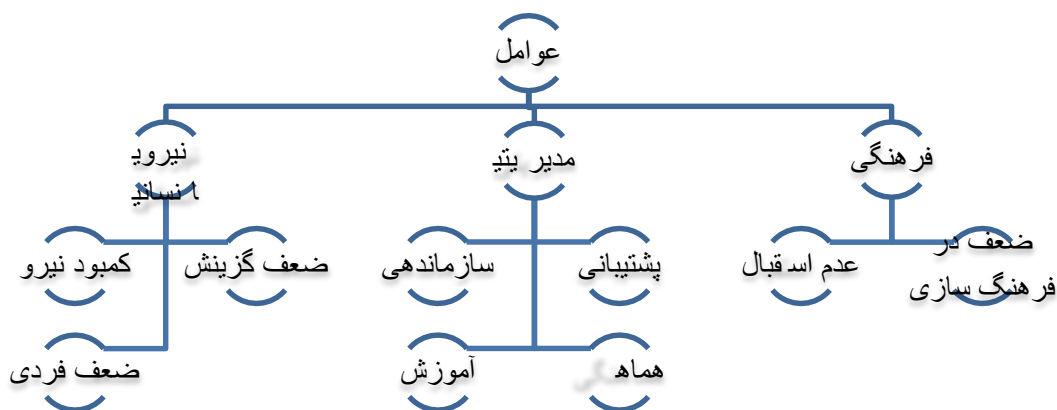
چالش‌های فرهنگی: از نظر مصاحبه‌شوندگان یکی از چالش‌های مؤسسه‌های حفاظتی در استقرار نگهبان محله ضعف فرهنگی و فرهنگ‌سازی است زیرا بسیار از افراد جامعه اعتقادی به لزوم وجود این موضوع با توجه به وجود گشت‌های کلانتری ندارند.

«در بحث استقرار عوامل نگهبان محله در نقاط مختلف شهر هنوز فرهنگ‌سازی مناسبی انجام نشده و مردم بر لزوم چنین موضوعی واقف نیستند از طرفی به سبب برخی ضعف‌های مدیریتی و عدم استفاده درست از نیروی انسانی مناسب آن‌هایی هم که استفاده شده‌اند چندان دارای کارایی و انگیزه مناسب نمی‌باشند» (مصاحبه شونده شماره ۴).

چالش‌های مدیریتی: به نظر مصاحبه‌شوندگان اصلی‌ترین مشکل در استقرار نگهبان محله بحث ضعف مدیریت بوده است به عقیده آن‌ها وجود ضعف‌های متنوع در بحث سازماندهی، آموزش، پشتیبانی و هماهنگی اصلی‌ترین چالش در این زمینه است

«عدم تمایل برخی از مالکین شرکت‌های خصوصی و دولتی و همچنین شهروندان نسبت به انجام اقدامات لازم در راستای اختصاص نگهبان محله، عدم تعبیه و تهیه مکان مناسب برای استقرار آنان» (مصاحبه شونده شماره ۷).

چالش‌های نیروی انسانی: دومین چالش مهم در نظر مصاحبه‌شوندگان ضعف‌های مختلف نیروی انسانی در بحث ضعف‌های فردی، ضعف در گزینش و همچنین کمبود نیرو بوده است.



نمودار ۱. مفاهیم و مقوله‌های مرتبط سؤال اول

در بخش کمی، با شناسایی اعضای مشارکت‌کننده پانل دلفی، در چهار مرحله فرایند روش دلفی اجرا شد که هر کدام از مراحل و نتایج به شرح زیر است:

در دور اول، فهرست ۴۳ چالش پیشروی انجام وظایف نگهبان محله در پیشگیری از جرایم که از طریق مطالعه پیشینه و مصاحبه با صاحب‌نظران تا حصول اشباع نظری به دست آمده بود، برای تعیین میزان اهمیت در اختیار اعضای گروه دلفی قرار گرفت. عامل مؤثر جدیدی به عوامل قبلی اضافه نشد و تنها تعدادی از آن‌ها که دارای میانگین کمتر از ۳ بودند، حذف شدند، به طوری که تعداد گویه‌ها از ۴۳ عامل به ۳۰ عامل کاهش پیدا کرد. در مرحله دوم ۳۰ عامل شناسایی شده در مرحله اول به همراه میانگین ارزیابی گروه و نظر قبلی مشارکت‌کننده برای اعضای گروه ارسال شد. برای پاسخ‌های اعضا، ضریب هماهنگی کندال در دور اول و دوم، برابر ۰/۶۵۴ به دست آمد؛ این میزان

از ضریب کندال نشان دهنده اتفاق نظر ناکافی میان اعضا است؛ که نتایج آن در جدول (۳) مشاهده می‌شود.

جدول ۳. نتایج محاسبه ضریب هماهنگی کندال

مرحله اول و دوم	مرحله دلفی
۰/۶۵۴	مقدار ضریب کندال تا او بی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۱۶	تعداد نمونه

بر اساس یافته‌های جدول (۴) و پایین بودن میزان ضریب کندال برای این بخش، عواملی که دارای میانگین بالاتر از ۳ بودند، به همراه میانگین پاسخ‌های قبلی اعضای پانل دلفی در دوره‌های پیشین و پاسخ هر فرد به صورت جداگانه، دوباره برای گروه دلفی ارسال شد. ۳ گزاره که دارای میانگین پایین‌تر از ۳ بودند حذف و ۲۷ چالش باقیمانده جهت بررسی مجدد میزان اهمیت برای گروه دلفی ارسال شد.

جدول ۴. نتایج محاسبه ضریب هماهنگی کندال

مرحله دوم و سوم	مرحله دلفی
۰/۶۹۲	مقدار ضریب کندال تا او بی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۱۶	تعداد نمونه

در مرحله چهارم دلفی نیز پس از ارزیابی چالش‌ها توسط گروه دلفی و جمع‌بندی نظرات آن‌ها همه ۲۲ چالش با شرط $(M \geq 3)$. تأیید شد و همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، ضریب هماهنگی توافقی کندال نیز ۰/۷۹۰ به دست آمده است. با توجه به این که تعداد اعضاء گروه دلفی بیش از ۱۰ نفر بودند، این میزان از ضریب کندال کاملاً معنادار بوده و نشان‌دهنده میزان اجماع و توافق نظر بسیار بالای اعضای

گروه دلفی بر روی چالش‌های نهایی شناسایی شده است. از آنجا که مقدار ضریب هماهنگی در دور چهارم نسبت به دور سوم به بالای ۰/۷ رسید، می‌توان به تکرار دورهای دلفی پایان داد.

جدول ۵. نتیجه تحلیل آماری مرحله چهارم - دلفی

مرحله سوم و چهارم	مرحله دلفی
۰/۷۹۰	مقدار ضریب کندال تا اوبی
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۱۶	تعداد نمونه

اولویت‌بندی چالش‌ها: با عنایت به اینکه برای شناسایی ۲۰ مورد از مهم‌ترین چالش‌های مؤسسه‌های حفاظتی در پیشگیری از جرم از روش دلفی استفاده شد و میانگین امتیاز مرحله تأیید شد؛ بنابراین میانگین به دست آمده برای مرحله چهارم، به‌عنوان معیار رتبه‌بندی و اولویت‌بندی چالش‌ها در نظر گرفته شد که نتایج رتبه‌بندی این چالش‌ها در جدول (۶) آمده است.

جدول شماره ۶. نتایج به دست آمده از رتبه‌بندی و اولویت‌بندی چالش‌ها

رتبه	میانگین نظرات خبرگان	شاخص‌ها	ابعاد
۹	۳/۵۲	ضعف در قوانین و مقررات	چالش‌های استقرار عوامل ثابت و سیار نگهدارنده محله
۶	۳/۹۰	ضعف فرهنگ‌سازی	
۷	۳/۷۶	کمبود اعتبارات	چالش‌های نصب تجهیزات حفاظتی در اماکن دولتی
۱۲	۳/۲۹	کمبود تجهیزات	مشکلات موانع و چالش‌های شناسایی و معرفی مظنونان به کلانتری
۸	۳/۶۷	کمبود امکانات	

۱۵	۳/۱۰	ضعف آموزش	مشکلات موانع و چالش‌های حفاظت از صحنه وقوع جرم
۳	۴/۱۵	کمبود منابع مالی	مشکلات موانع و چالش‌های ارتقا آموزش نگهبانان محله
۱۰	۳/۴۸	کمبود کادر آموزشی	
۵	۴/۱۰	ضعف در برنامه‌ریزی	
۱۳	۳/۲۴	ضعف در تعاملات	مشکلات موانع و چالش‌های برای همکاری با مسئولان و معتمدان محل
۱۰	۳/۴۸	ضعف در قوانین و مقررات	مشکلات موانع و چالش‌های پیشگیری از سرقت اتومبیل و موتورسیکلت
۲	۴/۱۹	ضعف در فرهنگ‌سازی	مشکلات موانع و چالش‌های پیشگیری از سرقت منزل
۱	۴/۳۳	ضعف در قوانین و مقررات	مشکلات موانع و چالش‌های جلوگیری از تجمع عناصر اراذل و اوباش
۱	۴/۳۳	ضعف در نظارت	
۱۲	۳/۲۹	ضعف در سازماندهی	مشکلات موانع و چالش‌های سرقت از اماکن عمومی و خصوصی
۱۵	۳/۱۰	کمبود منابع مالی	چالش‌های ارائه آموزش همگانی و خدمات مشاوره‌ای در امور پیشگیری از وقوع جرم
۲	۴/۱۹	ضعف در فرهنگ‌سازی	
۱۱	۳/۳۳	ضعف در سازماندهی	
۱۴	۳/۱۹	کمبود امکانات	چالش‌های اعلام سریع اخبار و اطلاعات تردهای مشکوک به کلانتری حوزه انتظامی
۴	۴/۱۴	ضعف تعاملات	

بحث و نتیجه‌گیری

ضعف در قوانین و مقررات و ضعف در فرهنگ‌سازی از نظر خبرگان از چالش‌های اصلی استقرار عوامل نگهبان محله است، به عبارتی باید چنین گفت که از نظر مصاحبه‌شوندگان در این بحث مشکلات اساسی در نگارش قانون و اجرای آن وجود دارد که باعث شده نتوان این موضوع را به صورت مناسب پیاده‌سازی نمود از طرفی

فرهنگ‌سازی درستی در زمینه آماده نمودن هر چه بیشتر مردم و مسئولان به وظایف این مؤسسات صورت نگرفته است. از نظر خبرگان کمبود منابع و اعتبارات از دلایل اصلی عدم اجرای موضوع در اماکن دولتی بوده است و در صورت تأمین اعتبار مناسب چالش اصلی در مسیر این موضوع برداشته خواهد شد.

براساس نظر مصاحبه‌شوندگان مشخص شد که کمبود تجهیزات و امکانات از چالش‌های اصلی این موضوع است در صورتی که مؤسسه‌های حفاظتی دارای تجهیزات مناسب انفرادی و ارتباطی از قبیل تجهیزات دفاع شخصی و دستگیری متهم و همچنین تجهیزات ارتباطی از قبیل بی‌سیم، دوربین و تلفن به حد کافی باشند در این مسیر موفق‌تر عمل خواهند نمود. همچنین مصاحبه‌شوندگان معتقدند کمبود امکانات و همچنین ضعف آموزش از دلایل اصلی عدم موفقیت و به‌عنوان چالش اصلی این موضوع بیان گردید مؤسسه‌های حفاظتی در حال حاضر فاقد امکانات مناسب برای این موضوع می‌باشند و از طرفی هیچ‌گونه توجه و یا آموزشی در این زمینه تاکنون دریافت ننموده‌اند؛ بنابراین می‌توان چنین ادعا نمود حتی آن‌ها این وظیفه برای خود متصور نیست و هرگونه اقدام در این زمینه به صورت انفرادی و سلیقه‌ای خواهد بود.

مصاحبه‌شوندگان کمبود منابع مالی، ضعف در برنامه‌ریزی و همچنین کمبود کادر آموزشی را از چالش‌های اصلی این حوزه اعلام کردند. از نظر خبرگان برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای آموزش افراد مناسب نبوده و از طرفی اختصاص بودجه مناسب در این زمینه نیز صورت نگرفته و بالطبع تأمین کادر آموزشی دارای توانمندی مناسب نیز انجام نشده است. همچنین ضعف در قوانین و مقررات در این زمینه از دلایل اصلی عدم موفقیت و به‌عنوان چالش اصلی تعیین شد زیرا به نظر آن‌ها در صورتی که قوانین به صورت درست و صحیح در خصوص وظایف این مؤسسات در این زمینه تدوین گردد و وظایف هریک از سازمان‌ها مشخص گردد و همچنین در بحث اجرای قوانین و مقررات از قبیل برخورد مناسب با سارقان انجام گیرد می‌توان به موفقیت این موضوع

امیدوار بود. همچنین ضعف در فرهنگ‌سازی از چالش‌های عمده این موضوع است علی‌رغم استقرار مناسب عوامل نگهدارنده محله در مناطق و محلات به دلیل اینکه فرهنگ‌سازی مناسبی در زمینه آشنایی هرچه بیشتر شهروندان و مسئولان به وظایف این نگهداران انجام نشده انتظارات و توقعات معمولاً متناسب اختیارات آنها نیست از طرفی صرف وجود نگهدارنده محله نافی مسئولیت شهروندان در تأمین اقدامات احتیاطی و امنیتی جهت پیشگیری از سرقت نیست که می‌بایست در این زمینه نیز فرهنگ‌سازی درست صورت پذیرد.

براساس نظر مصاحبه‌شوندگان ضعف در نظارت و ضعف در قوانین و مقررات از چالش‌های اصلی این موضوع بیان گردید. به نظر خبرگان نظارت مناسبی بر عملکرد این مؤسسات در این زمینه صورت نمی‌پذیرد و این مؤسسات در این مواقع خود را عاری از هرگونه مسئولیتی می‌پندارند و از طرفی قوانین و مقررات درستی در زمینه تقسیم و تشریح وظایف برای آنها تهیه نگردیده تا این مؤسسات را در این مسیر هدایت نماید. همچنین چالش اصلی در این زمینه ضعف در سازماندهی است به نظر آنها سازماندهی و مدیریت مناسب در این زمینه صورت نمی‌پذیرد و به نوعی یک عدم هماهنگی در این زمینه وجود دارد اگر اختصاص نیرو متناسب با موقعیت و شرایط منطقه صورت پذیرد نتیجه بهتری به همراه خواهد داشت لیکن در حال حاضر چیزی که مشاهده می‌گردد برخی مناطق که به نگهدارنده نیاز دارند فاقد این موضوع می‌باشند و در برخی مناطق به دلیل برخی دلایل از قبیل ثروت و موقعیت اجتماعی شاهد حضور بیشتر نگهداران می‌باشیم.

مصاحبه‌شوندگان کمبود منابع مالی، ضعف در فرهنگ‌سازی و ضعف در سازماندهی را از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه اعلام کردند، از طرفی منابع مالی به آن صورت که بتواند خدمات این چنین به مردم دهد وجود ندارد و از طرفی فرهنگ‌سازی عمومی در بین مردم برای استفاده از این گونه خدمات انجام نشده است به عبارتی شهروندان

نمی‌داند برای اینکه مثلاً از منزل خود در مقابل سرقت محافظت نماید از چه نهادی باید راهنمایی و مشاوره بگیرد و اینکه اصلاً لزوم این کار را جدی نمی‌گیرد و از طرف دیگر نیز سازماندهی مناسبی نیز از طرف سازمان و مؤسسه‌های حفاظتی انجام نشده و سازوکار این موضوع به درستی نهادینه نشده است. همچنین مصاحبه‌شوندگان کمبود امکانات و ضعف در تعاملات را به‌عنوان چالش‌های اصلی انتخاب کردند. ضعف در امکانات به آن جهت که این مؤسسات دارای امکانات و زیرساخت‌های لازم برای گزارش سریع و امن اخبار و اطلاعات نمی‌باشند و زیرساخت‌های لازم برای این موضوع فراهم نشده است از طرفی تعاملات مناسب برای ملزم نمودن این مؤسسات برای همکاری در این زمینه انجام نشده است.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر مؤسسات حفاظتی و مراقبتی با ۲۰ چالش اساسی در پیشگیری از جرم مواجه هستند که در مقایسه یافته‌های پژوهش با پژوهش حسین پور (۱۳۹۶) همان‌گونه که پژوهش یادشده بر ضرورت تعامل کنشگران رسمی و غیررسمی دخیل در زمینه پیشگیری از جرم تأکید کرده بوده در این پژوهش نیز ضعف در تعاملات مؤسسات حفاظتی با مسئولان و معتمدان محلی به‌عنوان یکی از چالش‌های شناخته شده است و از این نظر باهم همسو هستند. همچنین با یافته‌های پژوهش عبدالرحمانی (۱۳۹۶) مبنی بر ضرورت ارتقا مهارت‌های ارتباطی نگهبانان محله در پیشگیری از جرم همسو است. در مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش میرزا خانی و درویشی (۱۳۹۲) همان‌گونه که پژوهش یاد شده اثبات نمود مداخله جامعه‌ی محلی شامل ساکنان محلی، اصناف، شوراهای محلی و مسئولان باعث پیشگیری از جرم می‌شود در این پژوهش نیز ضعف در تعاملات و فرهنگ‌سازی نیز به‌عنوان چالش شناسایی شد و از این نظر باهم همسو هستند. در مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش میرزا خانی و درویشی (۱۳۹۴) همان‌گونه که پژوهش یاد شده اثبات نمود پلیس می‌تواند با تمرکز بر نقاط قوت درونی و بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی

تهدیدها را کاهش دهد در این پژوهش نیز ضعف در سازماندهی، ضعف آموزش و ضعف در قوانین و مقررات به‌عنوان چالش‌های درونی و ضعف در فرهنگ‌سازی و ضعف در تعاملات به‌عنوان چالش‌های بیرونی شناسایی شد که می‌توان با تبدیل این چالش‌های به فرصت نسبت به تقویت امنیت اقدام نمود و از این نظر باهم یافته‌های پژوهش یاد شده همسو هستند.

پیشنهادها

- چالش اصلی نصب تجهیزات حفاظتی کمبود منابع و اعتبارات بیان شده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود موضوع در هیئت‌های تصمیم‌گیر در سطح عالی نظام مطرح و راهکارهای لازم برای تأمین تجهیزات در نظر گرفته شود. همچنین کمبود امکانات و تجهیزات از چالش‌های اصلی شناسایی‌م‌شده و معرفی آن‌ها به کلانتری بیان شده است و تجهیزات اصلی مورد نیاز در این زمینه تجهیزاتی از قبیل وسایل ارتباطی همچون بی‌سیم و خطوط ارتباطی امن است پیشنهاد می‌شود پلیس پیشگیری با هماهنگی عوامل ذی‌ربط نسبت به تهیه و واگذاری این گونه تجهیزات اقدام لازم را به عمل آورند.

- چالش اصلی حفاظت از صحنه جرم کمبود امکانات و ضعف آموزش بیان شده است و در این رابطه تجهیزات مناسبی همچون موانع فیزیکی، اسلحه و وسایل ارتباطی مورد نیاز است و عوامل نگهبان محله فاقد این موارد می‌باشند می‌توان با تقویت ارتباطات با کلانتری‌های محل از امکانات آن حوزه‌ها در این خصوص استفاده کرد از طرفی عوامل نگهبان محله هیچ‌گونه آموزشی نیز در این زمینه دریافت ننموده‌اند و به نوعی این موضوع را جزو وظایف خود نمی‌دانند بنابراین پیشنهاد می‌شود آموزش‌های لازم در این زمینه از طریق مسئولان مربوط انجام گیرد.

- ضعف آموزش از چالش‌های بسیار مهم در این رابطه است که عواملی همچون کمبود منابع و امکانات، کمبود کادر آموزشی و ضعف در برنامه‌ریزی از دلایل اصلی آن است بنابراین پیشنهاد می‌شود مسئولان امر توجه جدی‌تری نسبت به امر داشته و این

ضعف‌ها را برطرف نمایند زیرا برطرف کردن ضعف آموزش کلید حل بسیاری از چالش‌ها است.

- ضعف در تعاملات از چالش‌های اصلی همکاری با معتمدان محلی بیان شده است بنابراین پیشنهاد می‌شود رئیس پلیس پیشگیری با همکاری کلانتری‌های محل زمینه‌های افزایش تعاملات را از طریق برگزاری ملاقات، شرکت در مراسمات محلی، دعوت از معتمدان برای حل مشکلات و... فراهم نمایند.

- ضعف در قوانین و مقررات از چالش‌های اصلی سرقت خودرو بیان شده است؛ منظور از ضعف در قوانین و مقررات بحث ضعف در الزام صاحبان خودروها به رعایت ایمنی خودرو و همچنین ضعف در ابلاغ شرح وظایف نگهبانان محله است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود نواقص قوانین مشخص و برای تصمیم‌گیری مناسب به حوزه قانون‌گذار ارجاع داده شود.

- موضوع ضعف در فرهنگ‌سازی در خصوص استقرار عوامل ثابت و سیار نگهبان محله، سرقت از منزل و آموزش همگانی به‌عنوان چالش اصلی بیان شده است بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی جدی در خصوص فرهنگ‌سازی عمومی و اختصاصی در خصوص فعالیت این مؤسسات در جامعه با استفاده از ظرفیت‌های صداوسیما و همچنین فضای مجازی صورت پذیرد.

- ضعف در قوانین و مقررات و ضعف در نظارت از چالش‌های اصلی مقابله با تجمع ارادل و اوباش بیان شده است. ضعف در قوانین و مقررات در اینجا بیشتر مربوط به قوانین بازدارنده مناسب برای جلوگیری از تجمع این افراد و همچنین شرح وظایف روشن و مشخص عوامل نگهبان محله در این زمینه است پیشنهاد می‌شود موضوع برای تصمیم‌گیری مناسب برای مرجع قانون‌گذار ارجاع داده شود.

- ضعف در سازماندهی از چالش‌های اصلی سرقت از اماکن عمومی و خصوصی بیان شده است و از طرفی منظور از سازماندهی در اینجا به کارگیری مناسب عوامل نگهبان

محلّه در مناطقی است که واقعاً به آن‌ها نیاز است بنابراین پیشنهاد می‌شود پلیس پیشگیری با تهیه بانک اطلاعاتی مناطق مورد نیاز آن را در اختیار این مؤسسات قرار دهد تا از آن طریق و فقط در مناطق تأیید شده نگهبان محلّه به کارگیری گردد.

- کمبود تجهیزات و امکانات، کمبود منابع مالی از چالش‌های اساسی تهیه تجهیزات حفاظتی، حفاظت از صحنه جرم، ارتقای آموزش، ارائه خدمات آموزشی و اعلام سریع اخبار وقایع به کلانتری بیان شده است براین اساس، پیشنهاد می‌شود پلیس پیشگیری استان با نیازسنجی دقیق و متعارف نسبت به برآورد نیازهای تجهیزاتی و مالی و اقدام و موضوع را برای دریافت منابع پیگیری نماید.

- با عنایت به اینکه ضعف آموزش چالش اصلی حفاظت از صحنه جرم توسط مؤسسه‌های حفاظتی بوده است پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی لازم برای آموزش این موضوعات توسط پلیس پیشگیری با همکاری معاونت آموزش صورت پذیرد همچنین پیشنهاد می‌گردد قبل از به کارگیری افراد در این امور آموزش کلی در این خصوص به افراد داده‌شده و در طول سال نیز نظارت لازم بر تسلط افراد بر آموزش‌های داده شده صورت پذیرد.

سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از فرماندهان انتظامی، معاون پیشگیری، روسای موسسه‌های خدمات حفاظتی و مراقبتی استان مازندران و سایر کارشناسان حوزه پیشگیری از جرم استان مازندران به خاطر همکاری در انجام پژوهش حاضر، قدردانی کنند.

منابع

۱. بیات، بهرام. (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه علوم اجتماعی.
۲. بی‌نام. (۱۳۸۸). نگهبان محله. تهران: معاونت آموزش نیروی انتظامی.
۳. جعفری مهرآبادی، مریم؛ سجودی، مریم. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت امنیت زنان در فضاهاى شهری (نمونه موردی: پل‌های عابر پیاده شهر رشت). پژوهش‌های جغرافیای انتظامی، ۳ (۱۰): ۶۱-۸۵. قابل‌بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/۳۶۰۰۳۰>
۴. حسین پور، جعفر (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر پیشگیری اجتماعی از جرم سرقت منازل، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۴ (۴۰): ۱۶۵-۱۸۲. قابل‌بازیابی از: http://journals.police.ir/article_۱۸۷۲۱.html
۵. دانش، تاج‌زمان. (۱۳۹۲). معجرم کیست جرم‌شناسی چیست. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های موسسه کیهان.
۶. داودی دهاقانی، ابراهیم (۱۳۹۵). چالش‌ها و راهکارهای نگهبان محله در پیشگیری از سرقت از نگاه مدیران پلیس، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۸ (۱): ۵۹-۸۲. قابل‌بازیابی از: http://pok.jrl.police.ir/article_۱۱۴۰۹.html
۷. درویشی، صیاد؛ میرزاخانی، عبدالرحمان. (۱۳۹۴). ارائه راهبردهای پیشگیری از جرم با رویکرد پلیس محله‌محور، نشریه نظم و امنیت انتظامی. ۸ (۲۹): ۱۲۵-۱۵۶. قابل‌بازیابی از: http://osra.jrl.police.ir/article_۹۸۳۴.html
۸. سیف‌اللهی، سیف‌الله؛ نعمتی، فریده (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر وقوع حوادث رانندگی در کلان‌شهر تهران (مورد مطالعه: حوادث منجر به مرگ بهار ۹۲). پژوهش‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۴ (۲): ۱۱۳-۱۲۹. قابل‌بازیابی از: http://jisds.srbiau.ac.ir/article_۱۹۲۶.html
۹. طیبی، ابراهیم؛ عبدالرحمانی، رضا. (۱۳۹۶). نقش مهارت ارتباطی نگهبان محله در پیشگیری از جرم. فصلنامه دانش انتظامی البرز، ۵ (۱۵): ۷۳-۸۷. قابل‌بازیابی از: http://journals.police.ir/article_۱۶۸۷۹.html

۱۰. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری، مترجم. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.

۱۱. محسنی تبریزی، منوچهر؛ حیدری، خدیجه. (۱۳۹۱). سنجش و تعیین رابطه بین نحوه عملکرد پلیس انتظامی و میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر زنجان. فصلنامه دانش انتظامی زنجان، ۱(۱): ۱۷-۴۲. قابل بازیابی از:

http://zanjan.jrl.police.ir/article_۱۵۴۷۰.html

۱۲. محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم. دبیرخانه همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

۱۳. یعقوبی دوست، محمود؛ فرد رضایی، یوسف. (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر رضایتمندی مردم از پلیس محله محور (مطالعه موردی: منطقه ۲ اهواز محله کیانشهر). فصلنامه دانش انتظامی خوزستان، ۵(۱۶): ۳۰-۱۳. قابل بازیابی از:

http://journals.police.ir/article_۱۵۳۰۱.html

۱۴. Helich, N. & Embro, H. (۲۰۱۵). Communities as neighborhood watchdogs: An immediate and temporary analysis of community policing in the Nairobi suburbs: Home Office.

۱۵. Lawrence, Sara and Bobby McCarthy. (۲۰۱۳). What works in community policing? Warren Institute University of California Berkeley, School of Law.